



چرا زندگی ارزش زیستن دارد؟ بدن و روان در هم تنیده اند

پورحسن، دانشیار فلسفه گفت: تنها انسان است که درد آگاهی و رنج آگاهی دارد چراکه زندگی مانند امکان هایی است که بشر هر از گاهی آن را درک می کند.

پورحسن، دانشیار فلسفه گفت: تنها انسان است که درد آگاهی و رنج آگاهی دارد چراکه زندگی مانند امکان هایی است که بشر هر از گاهی آن را درک می کند.

به گزارش خبرگزاری مهر، قاسم پورحسن با حضور در میزگرد شبانگاهی «سوفیا» رادیو گفتگو توصیف درد و رنج را متفاوت با مواجهه با درد و رنج دانست و گفت: در گذشته اولین بار نیچه اعلام کرد زندگی ارزش زیستن دارد پس چرا در باب زندگی پرسش می کنیم... نیچه در ادامه می گوید زندگی دارای چنین ارزشی نیست اما ما راهی نداریم جز اینکه زندگانی کنیم.

وی با بیان اینکه همه فیلسوفان ما مقاله هایی در خصوص درد و رنج داشتند ولی آن را با عنوان رنجوری تن نمی دانستند، افزود: تنها انسان است که درد آگاهی و رنج آگاهی دارد چراکه زندگی مانند امکان هایی است که بشر هر از گاهی آن را درک می کند.

پور حسن با بیان این مطلب تصریح کرد: درد و رنج ظهور این امکان ها و مرگ پایان و توقف این ظهور است؛ لذا طبیعی است که انسان تنها موجودی است که آگاهی صحیحی از درد دارد.

این عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی افزود: انسان از خود می پرسد زندگی چقدر ارزش زیستن دارد و در این پرسش با دو سنخ متفاوت از درد و رنج مواجه می شویم؛ یکی درد هایی است که پاسخی برای آن نداریم و برای سنخ دیگر می توان پاسخی متناسب یافت.

پور حسن ادامه داد: ابن سینا در این باب جمله ای فوق العاده مهم دارد و می فرماید وقتی شما به پدر می نگرید که فرزند او دچار بیماری شده و در روند مرگ قرار دارد، نسبت و مواجهه ی او با مرگ و درد یکسان و مشابه با مواجهه ی یک فیلسوف یا متفکر نیست و به همین دلیل مهم ترین مباحث درگیر فلسفه ی امروز، درد و رنج بشر است که آیا می توان پاسخی برای آن فراهم نمود یا خیر!

وی اضافه کرد: بر اساس اندیشه متفکران اسلامی در دوره معاصر از جمله علامه طباطبایی و علامه جعفری به دو سنخ از حیات و زندگی معتقدند؛ یکی زندگی طبیعی است که بر این اساس نمی توان به پاسخی متناسب با درد و رنج رسید و دیگری حیات معقول است که در حقیقت زندگی والا بوده و انسان بر این اساس قادر به یافتن پاسخ های مناسب می باشد.

دانشیار فلسفه با اشاره به جمله ای از فارابی گفت: فارابی می گوید جامعه بدون تفکر به تدریج پوسیده شده و زنده نمی شود ولی جامعه ی مبتنی بر تفکر خود را می سازد و حیات مجدد می یابد و به همین دلیل است که فارابی اعتقاد دارد جوامع فاقد تفکر، جز جوامع مرده تلقی می شوند.

پورحسن خاطرنشان ساخت: انسان از تفکر برخوردار است و راه های مختلفی را برای پاسخ به درد انتخاب کرده است. در مقابل نیچه معتقد است راه اصلی اینست که ارزش های گذشته را کنار بگذاریم و ارزش های جدیدی را خلق نماییم.

وی افزود: وقتی انسان آگاهی می یابد و دست به تفکر می زند و امکانات زندگی بشر را در می یابد، واکنشی طبیعی خواهد بود. یک پاسخ تسلیم است ولی در حوزه سنت اسلامی، مولوی بر اساس نگاه آگاهانه به درد و رنج پاسخ می دهد. این مواجهه از باب تسلیم نیست بلکه بر اساس تداوم زندگی است.

همچنین در این برنامه میری، از پژوهشگاه علوم انسانی با بیان اینکه بدن و روان در هم تنیده هستند و از هم جدا نمی باشند، گفت: فیلم پدر خوانده در قسمت سوم اپیزودی دارد که پدر خوانده وارد کلیسای کاتولیک در ایتالیا می شود. در این میان به مرد شریفی پناه می برد و قصد دارد درد خود را بازگو کند. در این هنگام کشیش که بعدها به پاپ تبدیل می

شود کلید واژه ای را بیان می کند. او می گوید روح وقتی در حال رنج است، تن آن را نشان می دهد.

وی با بیان این مطلب افزود: اینگونه نیست که مشکلات جسم و بدن از هم جدا باشند؛ درست است ساحت معالجه بدن باید با روح تفاوت داشته باشد ولی از منظر اندیشه آیا مسئله امروز ما تنها مختص کرونا است! آیا فقط ویروس ما را آشفته و پریشان کرده یا اتفاقی در جای دیگر افتاده است و عدم امنیت وجودی ما دستخوش تغییر شده است؟!